



دولت سیزدهم با
میانگین ۶ سال،
جوانتر از دولت قبل
کار خود را آغاز می‌کند

● محمد هادی فرسوی
روزنامه نگار

وقتی ترکیب کابینه مشخص شد

آیت‌الله رئیسی بارها تأکید کرده است که دولت سیزدهم باید صادق‌الوعده باشد. این تکرار شاید از این‌رو است که خود رئیس‌جمهور در مرحله تشکیل کابینه و چیدمان ارکان قوه مجریه صادق‌الوعده بوده است. وقتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی از آیت‌الله رئیسی درباره کیفیت ترکیب کابینه پرسیدند، گفت «کسی که وارد دولت و به نماد دولت تبدیل می‌شود باید متخصص، کارآمد و انقلابی باشد تا

با همکاری همدیگر تلاش کنیم عقب ماندگی‌ها جبران شود». چنین تصویری از دولت و ارکان آن به عنوان همکاران رئیس‌جمهور بود که توانست اقبال رأی‌دهندگان انتخابات ریاست جمهوری را به دنبال داشته باشد، زیرا مردم نتیجه ناکارآمدی‌هایی را که منجر به عقب‌ماندگی‌های جدی در کشور شده بود به عینه در زندگی خود و جریان‌های روزمره کشور می‌دیدند.

به طور کلی چشم‌انداز و برنامه‌هایی که نامزدها ارائه می‌دهند، یکی از دلایل اقبال مردم به آنان و تشکیل دولت است، اما نمی‌توان پنهان داشت که ناکارآمدی گذشته نیز یکی از دلایل اقبال رأی‌دهندگان به ایده‌ها، چهره‌ها و رویکردهای تازه است. به این ترتیب آنچه در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ روی داد، تنها آری به دولت اقدام و عمل نبود، بلکه حاوی «نه» به رویکردها و کارنامه‌های



پیشین بود، بویژه اینکه یکی از رقبای اصلی این کارزار، یکی از عوامل وضع موجود و از بنیان ناکارآمدی‌های برجای مانده از دولت گذشته بود. بر همین اساس گزاره آیت‌الله رئیسی در انتخابات را می‌توان این‌طور تعبیر کرد که کسی یا کسانی باید وارد دولت می‌شدند که متخصص، کارآمد و انقلابی باشند تا بتوانند عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کنند. نگاهی به ترکیب کابینه و دقت در سوابق اعضای دولت سیزدهم، نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور در انتخابات همکاران خود صادق‌الوعده بوده است، علاوه بر سوابق، کارنامه شش ماه نخست دولت نیز این واقعیت را تأیید می‌کند.

چرا تغییر مدیران ضروری است؟

آیت‌الله رئیسی با این که می‌توانست اما هیچ‌گاه خواستار تغییر یک شبه همه مدیران و هرکسی که در گذشته سمتی داشته است، نشد، بلکه او همواره بر شایسته سالاری تأکید کرده است. به عبارت دیگر، هرگاه مطالبه حامیان دولت مبنی بر تغییر مدیران مطرح می‌شد، رئیس‌جمهور بر این مسأله تأکید می‌کرد که اگر مدیری شایستگی و صلاحیت‌های لازم را دارد، فارغ از اینکه در چه دولتی روی کار آمده باشد، می‌توان چنین مدیری را ابقا کرد؛ در غیر این صورت، اگر مدیری جزو بنیان وضع موجود بوده است، باید به فوریت برای تغییر تصمیم‌گیری شود.

این موضع‌گیری ناظر بر اولویت دادن به منافع مردم بر هر چیزی، بویژه تفاوت‌ها یا رقابت‌های سیاسی است، اما واقعیت این است که در بسیاری موارد اتفاقاً منافع مردم اقتضا می‌کند نسبت به جابه‌جایی مدیران تصمیم‌گیری شود، زیرا به باور درست، وضع موجود کشور که مردم در سفره و معیشت خود می‌دیدند، نتیجه فرایندهای خود به خودی اقتصادی یا سیاسی نبود، بلکه ناشی از تصمیم‌های مدیریتی گذشته بود؛ رویکردهایی که با غفلت از ظرفیت‌های کشور، به جای تلاش برای حرکت رو به جلو، درگیر روزمرگی‌ها شده بود. بر همین اساس بود که در دولت گذشته تحول ویزای رخ نداد و آنچه مشاهده می‌شد، صرفاً تلاشی برای ادامه همین وضعی بود که کشور در آن بصری‌برد.

شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی، مانند تورم لحام گسیخته، نقدپنگی روز افزون، پاسخ ندادن به مطالبات اجتماعی مردم و درنهایت، بالارفتن میزان مرگ و میر ناشی از کرونا در کنار احساس تبعیض مردم از جانب مسئولان دولت وقت، از جمله واقعیت‌هایی است که از آن به عنوان «وضع موجود» یاد می‌شود. طبیعی بود که مردم انتظار داشتند مدیرانی که عامل شکل‌گیری چنین وضعیتی بودند، دیگر جایی در دولت نداشته باشند و در مقابل، سکان اداره کشور به چهره‌های انقلابی، نو، جوان، بانگیزه و دارای برنامه و تخصص سپرده شود.

نگاهی اجمالی به مدیران ارشد دولت سیزدهم

آیت‌الله رئیسی در نخستین نشست خبری پس از پیروزی در انتخابات با اشاره

۶ شهریور ۱۴۰۰
اولین دیدار اعضای هیئت
دولت سیزدهم با رهبر
معظم انقلاب
عکس: khamenei.ir